

The Jews of al-Andalus on the Eve of the Islamic Conquest

Sajjad Dadfar ¹ 

1. Faculty member - Faculty Member, Department of History, Razi University, Iran. E-mail: sdadfar@razi.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2023-10-17

Revised: 2023-12-17

Accepted: 2023-12-25

Available online

14 April 2025

Keywords:

Al-Andalus,

Jews,

Visigoths,

Conquests,

Islam

ABSTRACT

This study aims to examine the historical background of the Jewish presence in Al-Andalus and to analyze their positions regarding the Islamic conquest of the region. Although the Islamic conquest of Al-Andalus and its consequences have been addressed from various perspectives by scholars, the role of Jews in the Muslim victory has received limited attention. Accordingly, the main research question is: What was the historical position and stance of the Jews of Al-Andalus toward the Islamic conquest of the region? The probable answer suggests that the Jews' position depended on their interactions with the ruling authorities, and analyzing these interactions is key to understanding their stance toward the conquest. Using a descriptive-analytical approach and drawing on primary sources and recent studies, this research investigates both the historical background of the Jews in Al-Andalus and their attitudes toward the Islamic conquest. The findings indicate that the deprivation of many individual and social rights in the years preceding the arrival of Islam led the Jews to welcome the Muslim conquerors and collaborate with them.

Cite this article: Dadfar, Sajjad (2025). The Jews of al-Andalus on the Eve of the Islamic Conquest. *Historical Studies of the Islamic World* . 33 (1), 150-170. <https://doi.org/10.22034/mte.2021.12056.1544>



© The Author(s). Publisher: Al-Mustafa International University.
<https://doi.org/10.22034/mte.2021.12056.1544>

هودیان اندلس در آستانه‌ی فتح اسلامی

سجاد دادفر^۱ ✉

۱. عضو هیات علمی - گروه تاریخ دانشگاه رازی رایانامه: sdadfar@razi.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی - پژوهشی	در این پژوهش تلاش گردیده تا ضمن بررسی پیشینه تاریخی حضور یهودیان در اندلس، مواضع آنان در برابر فتح اسلامی این سرزمین مورد بررسی قرار گیرد. هر چند مساله فتح اسلامی اندلس و پیامدهای آن از وجوه مختلف مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار داشته اما یهودیان و نقش آنان در پیروزی مسلمانان موضوعی است که کمتر به آن پرداخته شده است. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش آن است که موقعیت تاریخی و مواضع یهودیان اندلس در برابر فتح اسلامی این سرزمین چگونه بوده است؟ پاسخ احتمالی این پرسش را می‌توان چنین طرح کرد که موقعیت یهودیان، تابعی از نحوه تعاملات نهاد قدرت با آنان بوده و تحلیل همین تعامل تعیین کننده مواضع یهودیان در برابر فتح اسلامی اندلس می‌باشد. بر این اساس در پژوهش حاضر تلاش گردیده تا با بهره گیری از منابع اولیه و تحقیقات متاخر و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی ضمن بررسی پیشینه تاریخی یهودیان اندلس، مواضع آنان در برابر فتح اسلامی مورد واکاوی قرار گیرد. یافته های پژوهش نشان می‌دهد که محرومیت یهودیان از بسیاری از حقوق فردی و اجتماعی در طی سالهای قبل از ورود اسلام باعث گردید تا آنان مقدم فاتحان مسلمان را گرامی داشته و به همکاری با آنان بپردازند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵	
کلیدواژه‌ها: اندلس، یهودیان، ویزیگوت‌ها، فتوحات، اسلام	

استناد: دادفر، سجاد، (۱۴۰۴). یهودیان اندلس در آستانه‌ی فتح اسلامی. مطالعات تاریخی جهان اسلام، ۳۳ (۱)، ۱۹۲-۱۷۱.

<https://doi.org/10.22034/mte.2021.12056.1544>



© نویسندگان.

ناشر: جامعه المصطفی (ص) العالمیه.

مقدمه

یهودیان قرن‌ها قبل از ورود اسلام در شبه جزیره ایبری زندگی می‌کردند. در این دوره طولانی، آنها تحت سیطره دولت‌های مختلف، زندگی پر فراز و نشیبی را سپری نمودند. هر چند در مقاطع کوتاهی از تاریخ، روابط حکومت با آنان مبتنی بر تساهل و مدارا بود؛ اما در بیشتر اوقات، دولت‌های حاکم بر اندلس نسبت به یهودیان بی اعتماد بوده و به همین دلیل سیاست‌های تنبیهی در مورد آنها اتخاذ می‌نمودند. اجبار آنان به پذیرش آئین مسیحیت، مصادره اموال، تحقیر، جدا نمودن کودکان یهودی از سن هفت سالگی به منظور تربیت بر اساس آموزه‌های مذهب کاتولیک و اخراج از کشور، برخی از اقدامات تنبیهی بود که در این مدت نسبت به آنان اعمال گردید. به نظر می‌رسد اوج محنت یهودیان مصادف با سالهای حکومت پادشاهان ویزیگوت بر این کشور بود. گوت‌های کاتولیک در قبل از فتح اسلامی اندلس، مجازات‌های شدیدی را علیه یهودیان اعمال نموده و با تشکیل شوراهای متعدد کلیسا و تصویب قوانین سخت‌گیرانه سعی در محدود نمودن فعالیت‌های آنان داشتند. حتی بنا بر تصویب شورای کلیسای طلیطله، فرمان بردگی یهودیان و توزیع آنان در میان اربابان مسیحی صادر و اقدامات گسترده‌ای برای تغییر مذهب این قوم انجام گرفت. اما این تلاش‌ها که بیش از صد سال به طول انجامید نتوانست تا آنها را به مسیحیانی وفادار تبدیل کند. بنابراین ادامه این سخت‌گیری‌ها و محرومیت آنها از بسیاری از حقوق فردی و اجتماعی باعث گردید تا یهودیان از هر فرصتی برای رهایی از مظالم حاکمان گوت استفاده نمایند. از این رو زمانی که مسلمانان به دروازه‌های اندلس رسیدند، آنان را منجیانی یافتند که از سوی یهوه برای آزادی قوم یهود گسیل شده‌اند. البته برخی از منابع معتقدند اطلاع آنان از وضعیت یهودیان شمال آفریقا که در سایه قانون اهل ذمه از آزادی‌های اعتقادی و اقتصادی بهره‌مند بودند باعث گردید تا یهودیان اندلس از اعراب مسلمان در شمال آفریقا درخواست فتح اندلس را نمایند. بهر حال فتح اسلامی اندلس به معنای پایان محنت و آغاز عصر جدیدی در زندگی یهودیان این سرزمین بود. اما آن چه که در این میان قابل توجه می‌باشد بررسی شرایط و حضور تاریخی آنان در اندلس، علل نارضایتی از پادشاهان گوت و میزان همکاری با مسلمانان فاتح می‌باشد. امروزه برخی از محققان تاریخ یهود معتقدند که در جریان فتح اسلامی اندلس، نقش یهودیان بسیار موثر و قابل توجه بوده است. این دسته از پژوهشگران، تلاش نموده‌اند تا یهودیان این کشور را در آستانه فتح اسلامی در قامت رزمندگانی شجاع ترسیم نمایند که دوشادوش مسلمانان جنگیدند و ثمره این نبرد، آزادی خود و کشور اسپانیا از قید حکومت استبدادی پادشاهان گوت بود. این در حالی است که در مقابل، منابع اسلامی بر این باورند، هر چند مواضع یهودیان اندلس در جریان این فتح، مثبت و مبتنی بر همراهی با مسلمانان بود، اما میزان این همکاری محدود به محافظت از شهرهای مفتوحه بوده و هرگز آنان در صفوف مجاهدان مسلمان حضوری جدی و موثر نداشته‌اند. بر این اساس، این پژوهش به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از منابع اولیه و تحقیقات متاخر به تبیین موقعیت و سابقه تاریخی حضور یهودیان در اندلس پرداخته و چگونگی مواجهه و عکس العمل

آنان در برابر ورود اعراب مسلمان را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد.

پیشینه موضوع

تردیدی نیست که در مطالعات تاریخی، ارائه تصویری دقیق از موضوع در گرو دستیابی به اطلاعات مستند، جامع و صادق از سوی مورخ است. نگاهی به آثار موجود در مورد فتح اسلامی اندلس، حاکی از وجود منابع قابل توجهی است که در دوره‌های مختلف و توسط نویسندگان مسلمان به رشته تحریر درآمده‌اند. این منابع که با رویکردهای تاریخی، ادبی، جغرافیایی، فقهی، تراجم و رجال نوشته شده، اطلاعات متنوعی در ارتباط با فتح اسلامی اندلس و تحولات مختلف آن در اختیار علاقه‌مندان به این حوزه قرار می‌دهند. اما نکته مهم در مورد این منابع، فقر اطلاعات موجود در ارتباط با یهودیان این کشور است. بسیاری از نویسندگان منابع اسلامی در مورد گروه‌های غیر مسلمان، مانند مسیحیان و به ویژه یهودیان، به صورت مفصل بحث نموده و به صورت خلاصه و در لابلای اخبار مربوط به فتح، خاندانها، رجال، ادیبان و تحولات اجتماعی و فرهنگی اسپانیا، مطالبی را بیان نموده‌اند. به همین دلیل نویسندگان متاخر تلاش نموده‌اند تا با تکیه بر اسناد و مدارک موجود به تبیین و ایضاح زوایای پنهان این فتح و از جمله موضوع یهودیان بپردازند. از جمله نویسندگانی که در سده‌های اخیر اقدام به تحقیقاتی در مورد یهودیان اندلس نموده است، سیمون دوبنوف می‌باشد.^۱ وی که یک یهودی روس تبار بود تلاش نمود تا تاریخ جامع قوم یهود از ابتدا تا قرن بیستم را تدوین نماید. اما آن چه که در ارتباط با آثار وی در مورد یهودیان اندلس قابل توجه می‌باشد، تلاش در جهت نشان دادن نقش کلیدی آنان در پیروزی مسلمانان و شکست پادشاهان گوت می‌باشد. دوبنوف که به نظر می‌رسد بیشتر متأثر از تفکرات متعصبانه خود در مورد قوم یهود می‌باشد، در کتاب، تاریخ یهودیان از امپراطوری روم تا ابتدای قرون وسطی، هر چند اطلاعات ارزشمندی در مورد سابقه تاریخی حضور یهودیان در اندلس و محل‌های استقرار آنان ارائه می‌دهد اما در مورد فتح اسلامی آن سرزمین، بدون توجه به مستندات تاریخی، یهودیان را رزمندگانی شجاع توصیف می‌نماید که در قالب گروه‌هایی سازمان یافته، دوشادوش فاتحان مسلمان علیه حاکمان گوت می‌جنگیدند، این در حالی است که بیشتر گزارش‌های دوبنوف در این زمینه فاقد مستند تاریخی بوده و با روایات منابع اولیه سازگار نمی‌باشد. الیاهو اشتور^۲ از دیگر نویسندگان معاصر یهودی است که تحقیقاتی در مورد نقش یهودیان در فتح اندلس داشته است. وی که به نظر می‌رسد معتدل تر از دوبنوف می‌باشد در کتاب، یهودیان در اسپانیای مسلمان، بر این واقعیت معترف است که نقش یهودیان در فتح اندلس از کار محافظت از شهرهای مفتوحه فراتر نرفته است. این کتاب که در سه جلد و بر اساس منابع یهودی، اسلامی و اسپانیایی تنظیم گردیده، تاریخ یهودیان در اسپانیای اسلامی

^۱ - DUBNOV, SEMON, MARKOVICH

^۲ - ASHTOR, ELIYHO

را از ورود مسلمانان تا تسخیر مجدد آن توسط مسیحیان، مورد واکاوی قرار داده است. نویسنده کتاب از این دوران تحت عنوان عصر طلایی یهودیان اسپانیا یاد می‌کند. شاید یکی از نقاط قوت این اثر را بتوان استفاده از نقشه‌های قدیمی اسپانیا، بازدید میدانی نویسنده از شهرهای یهودی‌نشین و محلات استقرار آنان در دوران اسلامی دانست. اشتور، استفاده مسلمانان از یهودیان در محافظت از شهرها را دلیلی بر مهارت رزمی آنها دانسته و به همین دلیل می‌نویسد که یهودیان اسپانیا مردمانی جنگجو، برجسته و متفاوت از بقیه یهودیان جهان بودند. گویتین سولومون^۱، از نویسندگان یهودی دیگری است که در کتاب یهودیان و اعراب، تاریخ زندگی یهودیان اندلس را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب که شامل تعداد زیادی از مکاتبات بین بازرگانان یهودی در قرون وسطی در منطقه مدیترانه می‌باشد، در جریان بررسی مکاتبات تجار یهودی اسپانیا، اطلاعات مهمی در مورد فعالیت‌های اقتصادی و زندگی اجتماعی آنان ارائه می‌دهد. اطلاعاتی که به ندرت در منابع اسلامی یافت می‌شود. اما در کنار یهودیان، نویسندگان مسیحی و مسلمان هم در تحقیقات جدید خود نسبت به فتح اسلامی اندلس توجه نموده و آثاری در این زمینه به رشته تحریر درآورده‌اند. رینهارت پیتر آن دوزی،^۲ خاورشناس هلندی فرانسوی‌تبار از جمله این افراد می‌باشد. وی که به زبان‌های عربی، عبری، فرانسه و اسپانیایی تسلط کامل داشت، در طول حیات خود آثار ارزشمندی را در حوزه مطالعات اسلامی و عربی منتشر نمود. اما بدون تردید یکی از بهترین و ارزشمندترین نتایج مطالعات دوزی کتاب وی در مورد تاریخ مسلمانان اسپانیا از آغاز تا فتح آن به دست مرابطون می‌باشد. دوزی در این اثر که تا سالیان متمادی از معتبرترین مصادر تاریخ اسلام در اسپانیا به حساب می‌آمد، به تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسپانیای اسلامی پرداخته و بسیاری از حوادث و رخدادهای تاریخی این منطقه را روشن و اطلاعات خوبی در مورد شخصیت‌های بزرگ و برجسته آن ارائه می‌دهد. بدون تردید یکی از نقاط قوت کتاب، بررسی وضعیت یهودیان اندلس در آستانه‌ی فتح اسلامی و ارائه تصویری از حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان در عصر حاکمان گوت می‌باشد. تاریخ یهودیان اسپانیا و پرتقال اثر ای. اچ. لیندو^۳ از دیگر آثاری است که به بررسی تاریخ زندگی یهودیان اندلس پرداخته است. این کتاب که برای نخستین بار در سال ۱۸۴۸م، منتشر گردید تاریخ حیات یهودیان در اسپانیا را از زمان حضور آنان در این کشور تا ایام حکمرانی پادشاهان گوت مورد بررسی قرار می‌دهد. لیندو در این اثر اطلاعات جامعی در مورد وضعیت یهودیان اندلس تحت حاکمیت گوت‌های کاتولیک ارائه می‌دهد. انتشار متن کامل قوانین و مصوبات شوراهای کلیسای گوتیک، علیه یهودیان از جمله نقاط قوت این کتاب به شمار می‌رود. اما در بین محققان

^۱ - GOITEIN, SOLOMON, DOB FREITS

^۲ - Reinhart Pieter Anne Dozy

^۳ - E.H.Lindo

مسلمان در عصر حاضر، نویسندگان جهان عرب، توجه بیشتری به حوزه مطالعات غرب اسلامی و از جمله اسپانیا داشته‌اند. کتاب، *اليهود في الدولة العربيّة الاسلاميه في الاندلس*، از خالد یونس عبد العزيز الخالدي از جمله آثاری است که در شش فصل به بررسی سابقه تاریخی حضور یهودیان در اندلس و شرایط آنان در عصر حاکمان اسلامی پرداخته است. کتاب، *اليهود في الاندلس*، از محمد بحر عبدالمجید و همچنین کتاب، *اليهود في المغرب الاسلام*، از فاطمه بوعمامه از آثار دیگری است که به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته‌اند. اما در بین نویسندگان ایرانی، اگر چه توجه به مساله فتح اسلامی اندلس، خاندان‌های حکومتگر و آثار فرهنگی و تمدنی اسلام در آن سامان وجود داشته، اما یهودیان اندلس و مواضع آنان در قبال ورود مسلمانان، موضوعی است که صرفاً در لابلای برخی مقالات به آن پرداخته شده و به عنوان یک موضوع مستقل مورد پژوهش قرار نگرفته است. از این جهت پژوهش حاضر را می‌توان نخستین اثری دانست که به صورت ویژه این مساله را مورد واکاوی قرار داده است.

پیشینه تاریخی حضور یهودیان در اندلس

منابع تاریخی در باب پیشینه و قدمت حضور یهودیان در اندلس اتفاق نظر دارند، اما در مورد تعیین زمان دقیق و چگونگی ورود آنها به این منطقه دارای اختلاف نظر هستند. براساس گزارش منابع اسلامی زمان ورود نخستین یهودیان به اندلس به عهد اشبان^۱ یکی از پادشاهان این کشور می‌رسد. شخصی که گفته می‌شود در سال (۵۸۶ ق.م)^۲ و در همراهی با نبوکد نصر دوم^۳ به اورشلیم حمله نمود و پس از پایان جنگ با صد هزار اسیر یهودی به اندلس بازگشت. (ابن عذاری، ۱۹۵۸: ۲۳/۲) برخی از مورخان، سابقه حضور یهودیان در اندلس را به قرن دهم قبل از میلاد و در زمان فنیقی‌ها نسبت داده‌اند. برخی دیگر از این مورخان بر این باورند که پیشینه تاریخی حضور یهودیان در این منطقه به زمان پادشاهی نبوکد نصر در سال (۵۵۸ ق.م)^۴ برمی‌گردد. (حمیری، ۱۹۸۰: ۳۳-۳۴) منابع یهود به نقل از خاندان‌های قدیمی ساکن در اندلس معتقدند که اجداد آنها در زمان نخستین تخریب معبد سلیمان یا هیکل مقدس توسط اشبان، اسیر و به این منطقه منتقل شدند. (Ashtor, 1979: 1/111-113) همچنین برخی دیگر از منابع یهود معتقدند که اولین یهودیانی که در اندلس

۱ - اشبان از پادشاهان باستانی اسپانیا بود که برخی از مورخان و جغرافی‌دانان مسلمان نظیر ابن‌خردادبه و یعقوبی برای وی اصالتی ایرانی قائل هستند. مقری در این مورد می‌نویسد: "خارجی‌ها به مملکت هجوم آوردند و در آنجا مستقر شدند و به این ترتیب اندلس صاحب پادشاهی شد که از همین خارجی‌ها و نامش اشبان بود که اسم خود را به سراسر مملکت داد به نام اشبانیه ... اما اسم واقعی اشبان، اسپهان بود به اسم شهر زادگاه او اصفهان ... این پادشاه شهر سویل را تاسیس کرد و آن را اسپانیا نامید که به زودی اسم سراسر مملکت شد."

۲- Nebuchadnezzar نبوکد نصر دوم یا بخت النصر، از سلاطین بزرگ بابل و معاصر با دانیال نبی بود. وی چندین بار به فلسطین حمله نمود و بعد از فتح اورشلیم، یهودیان ساکن را آنجا را به اسارت گرفته و به مناطق مختلف جهان تبعید نمود. نبوکد نصر در سال ۵۶۱ ق.م درگذشت.

ساکن شدند، خانواده‌هایی بودند از قبایل یهودا و بنیامین که پس از اسارت به دست اشبان در شهر طلیطله (تولدو) ساکن شدند. (Staff, 1972: 14/120) بر اساس برخی دیگر از مطالعات منابع یهود، ریشه تاریخی حضور یهودیان در اندلس به زمان حضرت داود یا سلیمان بر می‌گردد که آنان تعدادی از خانواده‌های یهود را جهت اقامت به این سرزمین اعزام نمودند به گونه‌ای که حیرام، خزانه دار و مسئول حفاظت از گنج‌های حضرت سلیمان در اندلس از دنیا رفت. (Bear, 1989: 1/32) البته لازم به ذکر است که این منابع شواهد و مدارکی برای گفته‌های خود ارائه نداده و حتی برخی از مطالعات جدید یهود آنها را در زمره اساطیر ذکر نموده‌اند. منابع اسپانیایی هم در بیان تاریخچه حضور یهودیان به داستان اسارت آنان به دست اشبان اشاره نموده‌اند. (LINDO, 1970: 6) به هر حال در جمع بندی اظهارات مورخین در مورد زمان ورود اولیه یهودیان به اندلس باید گفت، اجماع منابع تاریخی مبنی بر نقش اشبان، یکی از پادشاهان اندلس، در انتقال اسرای یهود از بیت المقدس به اندلس و تأیید آن توسط مورخان مسلمان، منابع یهود و همچنین بازماندگان خاندان‌های یهودی ساکن در اسپانیا حاکی از آن است که این زمان را باید معروفترین گزارش موجود در این زمینه دانست؛ ضمن آن که گزارش دیگری در این زمینه موجود نیست. نکته دیگر آن که مطالعه تاریخ کهن شهر طلیطله نشان می‌دهد که جمعیت این شهر در سال پانصد قبل از میلاد به صورت قابل توجهی افزایش می‌یابد که به نوعی تأیید گزارش منابع اسلامی در زمینه انتقال تعداد زیادی از خانواده‌های یهودی به این شهر است. (ibid, 4) بنابراین همان گونه که بیان گردید به نظر می‌رسد گزارش ورود اولیه یهودیان به اندلس در زمان اشبان را می‌توان به عنوان قدیمی‌ترین روایت موجود در این زمینه تلقی کرد. البته این گزارش خالی از اغراق نبوده و به مرور زمان با افسانه‌های مختلفی درآمیخته است. به عنوان مثال برآورد انتقال صد هزار نفر اسرای یهودی به اندلس در این گزارش چندان با واقعیت‌های تاریخی هماهنگ نیست. زیرا در این صورت و بعد از گذشت سیزده قرن، در آستانه فتح اسلامی، جمعیت یهودیان این کشور باید بالغ بر چندین میلیون نفر می‌گردید. هر چند به دلیل عدم وجود شواهد باستان‌شناسی و مستندات تاریخی، منابع موجود در مورد حیات یهودیان در اسپانیای قبل از میلاد اختلاف نظر دارند اما در مورد حضور آنان در قرون نخست میلادی در این کشور به دلیل وجود اسناد و مدارک موجود اختلاف نظر چندانی دیده نمی‌شود. به عنوان مثال می‌توان به کشف تعدادی سکه و سنگ قبرهای متعلق به یهودیان در شهرهای تارکونا^۱ و آدرا^۲ متعلق به قرن سوم میلادی، اشاره نمود. (Broyde, 1901: 484) همچنین در فاصله سالهای (۳۰۳ تا ۳۰۴ م) کلیسا در نشست الویرا^۳ چهار قانون در رابطه با یهودیان تصویب نمود که بر اساس

^۱ - Tarragona

^۲ - Adra

^۳ - Elvira

آن ورود مسیحیان به منازل یهودیان، استفاده از غذا، ازدواج و دعا برای برکت و افزایش محصولات آنان ممنوع بود. (ibid, 485) این قوانین نشان دهنده حضور طولانی مدت آنها در شبه جزیره ایبری است. اگر زمان اشبان را به عنوان موج نخست ورود یهودیان به اندلس در نظر بگیریم، از دیدگاه تعدادی از مورخان، عصر تیتوس^۱ از فرماندهان رومی را باید موج دوم ورود یهودیان به اندلس دانست. در سال ۷۰ میلادی وی به منظور سرکوب یهودیان متمرّد به اورشلیم حمله نمود و پس از سرکوب آنان و سوزاندن نمادهایشان، بیش از سی هزار نفر از آنان را اسیر و با دوازده کشتی به بنادر مراکش منتقل نمود. (آوروسیوس، ۱۹۸۲: ۱۷۹) طبیعتاً در این انتقال، اندلس هم سهمی داشت و برخی از یهودیان به این سرزمین انتقال داده شدند. بر اساس گزارش منابع، یهودیان ساکن در اندلس استقبال شایانی از هم مسلمانان خود نموده و به آنان کمک نمودند. (Lindo, 1970: 6) همچنین بر اساس روایت برخی از منابع یهود پس از حمله تیتوس به قدس، بسیاری از یهودیانی که موفق به نجات خود گردیدند به طرف شمال آفریقا مهاجرت نموده و در مناطقی مانند مصر، لیبی، مراکش و شهرهای ساحلی دریای مدیترانه ساکن شدند. بر این اساس باید گفت که مهاجرت یهودیان به اندلس به صورت مستمر و در چندین مرحله صورت پذیرفته است. تردیدی نیست که در این مهاجرت‌ها نقش عوامل سیاسی و اقتصادی تعیین کننده بود. (عربی، ۱۹۸۲: ۹۶) از عصر هادریان (۱۱۷-۱۳۸ م)^۲ در سال ۱۳۶ م^۳ به عنوان موج سوم مهاجرت یهودیان به اندلس یاد می‌شود. این امپراتور روم که گفته می‌شود اهل اسپانیا بود و نسبت به یهودیان کینه شدیدی داشت، پس از سرکوب شورش آنان در فلسطین، پنجاه هزار خانواده یهودی را به بردگی گرفته و آنان را به اسپانیا تبعید نمود. (ضیاء پاشا، ۱۹۸۹: ۴۰۶) هر چند همان گونه که قبلاً بیان شد، بیان چنین اعدادی خالی از غلو نبوده و قابل نقد است.

یهودیان اندلس در عصر حاکمان آریانی مذهب گوت

یهودیان از زمان ورود به اندلس در محیطی که متشکل از اقوام، ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف بود ادامه حیات دادند. این اقوام و ملت‌ها به امید زندگی در منطقه‌ای حاصلخیز، خوش آب و هوا و با هدف استفاده از ثروت‌ها و منابع غنی آن وارد این سرزمین شده بودند. (حتامله، ۱۹۹۶: ۱۰۹) از جمله این اقوام می‌توان به ایبری‌ها اشاره نمود که در عصر آهن با مهاجرت از آفریقای شمالی در بخش‌های حاصلخیز جنوب و شرق اسپانیا بین سواحل دریای مدیترانه و دره ایبره ساکن شدند. ورود آنها همزمان با ورود اقوام سلت^۳ بود که با مهاجرت از

^۱ - Titus

^۲ - Hdrian

^۳ - Celtas

مناطق مرکزی اروپا در بخش‌هایی مانند گالیسیا و پرتغال مستقر گردیدند. (م.ن.ص. ۱۱۴) تارتسوس^۱ ها هم از جمله اقوام دیگری بودند که در عصر برنز از مناطقی مانند یونان و جزایر دریای مدیترانه وارد اندلس گردیدند. فنیقی‌ها پس از ورود به این کشور مراکز تجاری ایجاد نمودند که این مراکز بعدها پایه گذار شهرهایی مانند مالاگا^۲ (مالقه) گردیدند. در فاصله سالهای (۲۰۱ تا ۵۳۵ "م") کارتاژها^۳ که اصالتی فنیقی داشتند بر شبه جزیره مسلط شدند و در نهایت پس از نبردی طولانی با رومی‌ها (جنگ های پونیک) شکست خورده و مجبور به ترک آن شدند. به دنبال این پیروزی، رومی‌ها به عنوان حاکمان جدید شبه جزیره زمام امور را بر عهده گرفتند. فقدان شواهد باستان شناسی و سکوت منابع تاریخی در مورد وضعیت یهودیان این دوره در اندلس، توصیف شرایط زندگی آنان را با دشواری‌هایی مواجه نموده است. با این حال جمعیت قابل توجه آنان در آستانه فتح اسلامی حاکی از آن است که یهودیان در طی این مدت تحت تأثیر باورها و آداب و رسوم سایر ملت‌هایی که با آنها زندگی می‌کردند، قرار نگرفته و موفق گردیدند بسیاری از آیین‌ها، آداب و رسوم و اعتقادات خود را حفظ نمایند. بررسی رابطه یهودیان با امپراطوری روم در دو قرن قبل از میلاد حاکی از آن است که این رابطه در ابتدا حسنه بوده است. یکی از نشانه‌های این امر تصویب قانونی در عهد آگوستوس (۳۱ "ق.م" - ۱۴ "م") در مسائل مختلف امپراطوری روم بود که بر اساس یکی از بندهای آن بر وفاداری یهودیان به ملت روم در حال و گذشته تأکید شده بود. همچنین در عهد ژولیوس سزار (۱۰۰-۴۴ "ق.م") بر اساس قانونی به یهودیان اجازه داده شد تا ضمن تشکیل مجلس شیوخ^۴، بر اساس اعتقادات، باورها و سنت‌های نیاکان خود عمل نموده و در ارسال هدایا و اموال به اورشلیم آزادی لازم را داشته باشند. (عبدالعظیم، ۱۹۶۸: ۱۴۴) بر اساس گزارش منابع تاریخی در این دوره یهودیان مانند سایر ملت‌های تابعه امپراطوری، ضمن برخورداری از آزادی مذهبی، با بهره‌گیری از انجمن‌های فرهنگی، اداری و مذهبی، امورات خود را اداره می‌نمودند. همچنین بررسی وضعیت اقتصادی آنان نشان می‌دهد که یهودیان در این دوره در زمینه زراعت فعال بوده و با بهره‌گیری از املاک وسیع خود به تولید محصولاتی مانند زیتون اشتغال داشتند. ضمن آن‌که گزارش‌هایی در مورد روابط تجاری آنان با مراکز خارج از اندلس در دست می‌باشد. (Lindo, 1970: 17-18) البته یهودیان اندلس مانند دیگر ساکنان این سرزمین در بسیاری از مسائل فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر رومیان قرار گرفتند، به عنوان مثال ضمن تقلید از آداب و رسوم رومی، زبان آنها را به عاریت گرفته و برای فرزندان خود اسامی رومی برگزیدند. گسترش زبان لاتینی در بین

^۱ - Tartesos

^۲ - Malaga

^۳ - Carthāgō

^۴ - Gerousia

یهودیان به گونه‌ای بود که آنان تعالیم دینی خود را با آن می‌نوشتند؛ از این رو برای فهم عموم، مجبور به ترجمه متون مقدس خود از زبان لاتینی بودند که نسبت به زبان عبری رواج بیشتری داشت. (حتامله، ۱۹۹۶: ۱۸۷)

به نظر می‌رسد روابط مسیحیان و یهودیان در اندلس تا قرن سوم میلادی نسبت به سایر مناطق اروپا بهتر بوده است یا حداقل مسیحیان آنجا در موضع ضعیف‌تری از رویارویی با یهودیان و درگیری با آنها بوده‌اند. بنابراین، در این دوره ما شاهد مهاجرت یهودیان از شمال آفریقا به اندلس هستیم. (مؤنس، ۱۹۹۵: ۵۲۱) اما روابط حسنه بین یهودیان ساکن در قلمرو امپراطوری روم و حکمرانان آن، چندان به درازا نکشید و به سرعت رو به تیرگی نهاد. برخی از محققین دلیل این امر را در نوع رفتار یهودیان با مردمان روم دانسته‌اند. بسیاری از فرمانروایان رومی دریافتند که یهودیان در تعاملات خود با مردم، تابع منطق تعالیم تلمود بوده و برای کسب مال از هر شیوه غیر اخلاقی و غیر قانونی استفاده می‌نمایند. (خالدی، ۲۰۱۱: ۴۵) بر اساس این تعالیم، تفاوت بین یهود با سایر مردم همانند تفاوت بین انسان و حیوان است و یهودیان صاحب جان و به طریق اولی مال مردم دیگر هستند. (التل، ۱۹۷۹: ۷۴) بنابراین هنگامی که امپراطوران روم سعی در محدود کردن قدرت و جلوگیری از تعدیات یهودیان نمودند، با شورش آنان مواجه شدند. شورش یهودیان خشونت‌آمیز و در برخی موارد همراه با قساوت و بی‌رحمی بود. زمان وقوع این حوادث در ابتدای قرن سوم میلادی و در عهد تراژان^۱ (۹۸ - ۱۱۷ م) امپراطور روم بود. در حالی که او مشغول مبارزه با اشکانیان بود، یهودیان شورش بزرگی را در منطقه سیرنایکا^۲ (برقه) به راه انداختند که به سرزمین‌های مصر، بین النهرین و انطاکیه نیز کشیده شد. شورش با حمله به مردم یونان آغاز شد، اما پس از بازگشت تراژان و مقابله با آنها، این جنگ برای یهودیان به مبارزه‌ای تمام عیار با دولت روم تبدیل شد. بنابر گزارش مورخان، در این نبرد یهودیان با بی‌رحمی تمام اقدام به قتل عام مردم نموده و کشتار وسیعی از مسیحیان به راه انداختند. تعداد افرادی که در برقه و قبرس به دست یهودی‌ها کشته شدند را تا حدود پانصد هزار نفر ذکر کرده‌اند. (Lindo, 1970: 10) هر چند ذکر این تعداد از کشته شدگان خالی از اغراق نیست اما نشان از شدت و وسعت شورش دارد. اگر چه یهودیان اندلس در این شورش‌ها نقشی نداشتند اما به هر حال نتایج آن موجب تیرگی روابط حاکمین و مردم اندلس با یهودیان گردید. در سال (۳۱۲ م) با پذیرش آئین مسیحیت توسط کنستانتین (۲۷۲-۳۳۷ م) و اعلام آن به عنوان دین رسمی امپراطوری، بر شمار پیروان این آئین در اندلس افزوده شد. موضوعی که نقش موثری در افزایش مخالفت‌ها و خصومت‌ها نسبت به یهودیان داشت. (عبدالمجید، ۱۹۷۰: ۱۰) اما بتدریج و با تضعیف امپراتوری روم بسیاری از قبایل آلمانی که از مناطق شرقی اروپا آمده بودند توانستند در سال (۴۰۹ م) از طریق کوه‌های آلبرت وارد اندلس شوند. به دنبال

^۱ - Teragan

^۲ - Cyrenaica

شکست سپاه روم و ناتوانی از مقابله با آنان، قبایل مذکور بیشتر بخش‌های اندلس را تصرف نموده و در نهایت در سال (۴۱۱ "م") آن را بین خود تقسیم نمودند. (Sevilles, 1966: 34) وندال‌ها یکی از قدرتمندترین قبایل ژرمن در اسپانیا بودند که بعدها، این منطقه به نام آنها اندلس نامگذاری شد و تا زمانی که گوت‌ها، در سال (۴۲۹ "م") بعد از میلاد بر آنها غلبه کردند در آنجا حضور داشتند. (حاتمله، ۱۹۹۶: ۱۶۹) همچنین آنها با عبور از تنگه جبل الطارق وارد شمال آفریقا گردیده و دولتی در آنجا بنا نهادند که تا زمان تسلط رومیان در سال (۵۴۳ "م") ادامه داشت. هیچ اطلاعاتی در مورد شرایط یهودیان در زمان حکومت وندال‌ها و سایر قبایل آلمانی، در دست نیست، اما به نظر می‌رسد که یهودیان در برابر این قبایل مقاومت نکردند و حتی به واسطه کینه‌ای که نسبت به مسیحیان داشتند آنان را برای ورود به اندلس یاری نمودند. (Lindo, 1970: 11) با توجه به مقاومت مسیحیان در برابر ورود فاتحان جدید، وندال‌ها سیاست آزار و تضعیف آنان را در پیش گرفتند. این موضوع باعث رهایی یهودیان از شرایط سخت گردید. موضوع دیگری که بر اختلافات وندال‌ها با ساکنان مسیحی اندلس می‌افزود مذهب آریوسی آنان بود که متفاوت از مذهب کاتولیک بود. (حاتمله، ۱۹۹۶: ۱۹۸) این همان آموزه‌ای است که گوت‌ها به آن اعتقاد داشتند و از زمان ورود به اندلس در سال (۴۰۹ "ق م") تا زمان ریکارد در سال (۵۸۷ "م") که به دین کاتولیک گروید آن را حفظ کردند. (کحیلة، ۱۹۹۰: ۱۴) یهودیان اندلس بیش از یک قرن و نیم، تحت سلطه پادشاهان آریانی مذهب گوت زندگی کردند. هر چند اطلاعات اندکی در مورد زندگی یهودیان این دوره موجود است اما به نظر می‌رسد آنان در مقایسه با زمان حاکمان گوت که مذهب کاتولیک را پذیرفتند از شرایط مناسب‌تری برخوردار بودند. آنها قوانین مذهبی خود را در ارتباط با غذا، ازدواج، بردگان، تقدس شنبه، جشن‌های مذهبی، استفاده از معابد و ایام تعطیل اعمال می‌کردند و رساله‌های مذهبی خود را که احتمالاً به زبان لاتین نوشته شده بود را آزادانه مطالعه می‌کردند. همچنین در هر شهری که زندگی می‌کردند شورایی مذهبی وظیفه تدبیر امور را بر عهده داشت. (Bear, 1989: 19) گوت‌های آریانی مذهب از یهودیان در منطقه ناربونا^۱ برای دفاع از مرزهای شمالی خود در برابر حملات فرانک‌های کاتولیک استفاده کردند. یهودیان همچنین در زمان امپراتور ژوستینین (۵۲۷-۵۶۵ "م") هنگامی که بیزانسی‌ها سعی کردند کاتولیک را در اندلس گسترش دهند، از گوت‌ها در برابر بیزانسی‌ها در شمال آفریقا حمایت کردند. البته حمایت یهودیان از گوت‌های آریانی مذهب نه بخاطر عشق یا ارادت به آنها، بلکه بیشتر برای دستیابی به منافع خود بود، زیرا آنان اعتقاد داشتند که آرامش آنان در قبال حذف قدرت کاتولیک‌ها به دست خواهد آمد. (طرخان، ۱۹۵۸: ۱۶۶) اما این رونق زندگی اجتماعی و اقتصادی یهودیان چندان هم تداوم پیدا نکرد و در سال (۵۸۷ "م") با گرایش ریکاردو (۵۸۵-۶۰۱ "م") حکمران گوتی به

^۱ - NARBONNE

مذهب کاتولیک شرایط آنان دگرگون شد.

یهودیان تحت حکومت گوت‌های کاتولیک

تغییر مذهب ریکاردو، پادشاه گوتی، از آریانیسم^۱ به کاتولیک در سال (۵۸۷ م) را می‌توان یک رویداد تأثیرگذار در تاریخ اندلس و انقلابی ناگهانی در زندگی ساکنان آن به شمار آورد. وی پس از حدود سه قرن از پذیرش مذهب آریانیسم توسط گوت‌ها، آنان را مجبور به تغییر آئین و پذیرش مذهب کاتولیک نمود. از این زمان به بعد شوراهای کلیسا و اسقفان کاتولیک بر سرنوشت یهودیان مسلط شده و حتی در بسیاری از موارد از قدرت بیشتری نسبت به پادشاه برخوردار بودند. بدین ترتیب شوراهای قانونگذاری مذهبی با حضور پادشاه، اشراف و روحانیت کاتولیک در زمینه تصویب قوانین فعال شدند و به تدریج زندگی یهودیان از رفاه و آرامش نسبی در دوران گوت‌های آریانی به سمت زندگی سخت و توأم با سرکوب تغییر یافت. به نظر می‌رسد در این زمان، با توجه به صدور قوانین سخت‌گیرانه توسط شوراهای مذهبی کلیسا و نظارت بر اجرای آنها، یهودیان سخت‌ترین دوران زندگی خود را از زمان ورود به اندلس، سپری می‌نمودند. (Dobnov, 1973, 2, 508) سخت‌گیری نسبت به یهودیان توسط پادشاهان گوت، یکی از مهمترین شروط رضایت و حمایت اربابان کلیسا از آنان بود. اولین قوانین محدود کننده یهودیان توسط سومین شورای کلیسای طلیطله در سال (۵۸۹ م) و با حضور ریکاردو، پادشاه گوت‌ها، صادر شد. هدف اصلی این نشست معرفی آیین کاتولیک به عنوان تنها مذهب رسمی کشور بود. ضمن آن که به منظور جلب رضایت کلیسا؛ قوانین متعددی در ابطال آیین آریانیسم صادر و معتقدان به آن شایسته لعن و پیگرد معرفی شدند. (حتمله، ۱۹۹۶: ۲۶۶ - ۳۱۴) ممنوعیت ازواج یهودیان با زنان مسیحی، محرومیت از مشاغل دولتی، ممنوعیت داشتن بردگان مسیحی، ممنوعیت دفن مردگان بر اساس رسوم مذهبی خود از جمله مصوبات این شورا علیه یهودیان بود. (Lindo, 1970: 11-12) محرومیت از داشتن بردگان مسیحی شاید سخت‌ترین مجازاتی بود که در مورد آنان اعمال گردید. زیرا با توجه به اشتغال گسترده یهودیان به فعالیت‌های تجاری و زراعی، این قانون می‌توانست آنان را از نیروی کار محروم سازد. از این رو یهودیان تلاش نمودند تا از طریق مذاکره و درخواست پرداخت جریمه، خود را از اجرای آن معاف نمایند که این درخواست با مخالفت ریکاردو مواجه شد. (Dobnov, 1973, 2, 508) جانشینان ریکاردو تا عصر سیزبوت (۶۱۲-۶۲۰ م)^۲ در اجرای قوانین یا تصویب قانون جدیدی علیه یهودیان اقدامی ننمودند. در سال (۶۱۲ م) با به قدرت رسیدن این پادشاه، مجدداً اعمال مجازات‌ها علیه یهودیان از سرگرفته شد. وی در این زمینه بسیار سخت گیر بود به گونه‌ای که در عصر

۱ - آریانیسم، یک مکتب فکری دینی است که توسط آریوس (۲۵۰-۳۳۶ میلادی)، کشیشی از اسکندریه مصر، به وجود آمد. این اعتقاد بیشترین تمرکزش روی موضوع تثلیث بود. این مکتب بر این تفکر بود که فرزند (عیسی) در واقع مخلوق پدر (خدا) است و دارای مقام الوهیت نیست.

۲ - SISEBUT

وی تعداد زیادی از یهودیان ثروتمند قتل عام یا به زندان محکوم شدند. مالکان یهود قادر به کشت مزارع خود نبودند و در نتیجه سخت‌گیری‌های مذهبی کلیسا، بیش از نود هزار نفر مجبور به پذیرش آئین مسیحیت شدند. همچنین بسیاری از آنان به شمال آفریقا و منطقه گل^۱ تبعید شدند. (Lindo, 1970: 13) خنتیلا (۶۳۶-۶۴۰ م) از جمله پادشاهان گوتی دیگری بود که نسبت به یهودیان بسیار کینه داشت. وی سلطنت خود را با سخت‌گیری علیه یهودیانی که تظاهر به مسیحیت می‌کردند آغاز نمود و در همان ابتدا خواستار تشکیل ششمین شورای کلیسایی طلیطله (تولدو) شد. خنتیلا در این شورا که در سال (۶۳۸ م) تشکیل شد، قول داد تا با هرگونه ریاکاری و تظاهر به مسیحیت توسط یهودیان مبارزه و تلاش خواهد نمود تا در زمان وی جز مسیحیان کسی در اسپانیا زندگی نکنند. (Dobnov, 1973, 2, 515) در برابر این سیاست سخت‌گیرانه، تعدادی از یهودیان اسپانیا را ترک کردند، در حالی که اکثر آنها تظاهر به پذیرش مسیحیت کردند و سعی نمودند اعتماد پادشاه و کلیسا را جلب کنند. حتی آنان در این زمینه تعهدنامه‌هایی را امضا نمودند و قول دادند که ضمن عمل به مناسک آئین مسیحیت پیروان خوبی برای این دین باشند. (ibid, 515-516) با این حال، روحانیت کاتولیک به صداقت این تعهدات اعتماد نداشت. بنابراین آنها نظارت شدیدی را بر یهودیان مسیحی شده اعمال کردند. به نظر می‌رسد علاقه پادشاهان گوت و شوراها کلیسا جهت تصویب قوانین سخت‌گیرانه علیه یهودیان اندلس و تلاش در جهت نظارت بر اجرای این قوانین فقط ناشی از اختلافات تاریخی و کلامی این دو آئین یا به دلیل خشونت‌هایی که یهودیان در شورش‌های خود علیه رومیان مرتکب شدند نبود. تلاش در جهت اخذ مال نامشروع و رسیدن به اهداف خود از طریق ربا، رشوه و هرگونه اقدامات غیر قانونی دیگر و همچنین توهین و تحقیر نسبت به سایر مردم غیر یهود و در عین حال مشارکت آنها در برخی توطئه‌های ضد حکومت را می‌توان از مهمترین دلایل اقدامات پادشاهان گوت و کلیسا علیه آنها به حساب آورد. (خالدی، ۲۰۱۱: ۷۰) در سال ۶۷۲ م^۲ وامبا (۶۷۲-۶۸۰ م) با قید سوگند جهت برخورد جدی با یهودیان به عنوان پادشاه جدید گوتها انتخاب گردید. وی دستور اخراج یهودیان را از کشور صادر کرد و هزاران نفر از آنان به مناطقی مانند شمال آفریقا، پیرنه و ناربونه تبعید شدند. (حاتمله، ۱۹۹۶: ۲۴۸) یکی از اتفاقات این زمان شورش مردم ناربونه علیه وامبا بود. یهودیان در این شورش نقش موثری داشته و به صورت گسترده در آن مشارکت نمودند. این شورش در نهایت پس از یکسال سرکوب گردید و وامبا دستور اخراج یهودیان ناربونه را از کشور صادر کرد. (Dobnov, 1973, 2, 519-520) در

^۱ - گُل یا گال (به لاتین: Gallia)، منطقه‌ای در غرب اروپا است که امروزه فرانسه، بلژیک، غرب سوئیس و بخش‌هایی از هلند و آلمان (کرانه غربی رود راین) در آن قرار دارند.

^۲ - VAMBO

سال ۶۸۰ م "وامبا با توطئه ارفیگیو (۶۸۱-۶۸۷ م)"^۱ از سلطنت خلع گردید. پادشاه جدید در سال (۶۸۱ م) دوازدهمین نشست شورای کلیسای طلیطله (تولدو) را تشکیل داد. وی بعد از یک سخنرانی تند علیه یهودیان از روحانیون کاتولیک درخواست نمود که در برابر آنها هیچ گونه تساهل و مدارایی از خود نشان ندهند. در این نشست مصوب شد، مردان یهودی که مانع پذیرش آئین مسیحیت و انجام غسل تعمید توسط فرزندان یا غلامان خود گردند، محکوم به تحمل صد تازیانه شده و پس از تراشیدن موی سر و مصادره اموال، از کشور اخراج شوند. همچنین در صورتی که این اقدام توسط یکی از زنان یهودی صورت پذیرد، علاوه بر مصادره اموال، بینی او قطع گردد. (Dobnov, 1973, 2, 521-522) در سال (۶۹۳ م) و در عصر حکومت اژیکا (۶۸۷-۷۰۱ م)"^۲ شانزدهمین شورای کلیسای طلیطله (تولدو) تشکیل شد، این شورا در مورد اثربخشی قوانین قبلی علیه یهودیان بحث کرد و مشخص شد که این قوانین نتایج لازم را به دنبال نداشته‌اند، زیرا اکثر یهودیان تظاهر به پذیرش مسیحیت نموده ولی در باطن اعتقادات خود را حفظ نموده و آن را به فرزندان‌شان منتقل می‌کنند. این موضوع باعث گردید تا اژیکا با تغییر رویکرد نسبت به یهودیان سیاست تشویق و مدارا را جایگزین مجازات و تنبیه نماید. از این رو بسیاری از محدودیت‌های اعمال شده علیه آنان را ملغی و در مقابل برای کسانی که مومن واقعی به آئین مسیحیت باشند، مشوق‌های زیادی در نظر گرفت. اما دیری نپائید که اژیکا هم به جمع پادشاهانی پیوست که در تغییر دین یهودیان توفیق چندانی به دست نیاوردند. زیرا بسیاری از یهودیان در برزخ بین انتخاب آئین مسیحیت یا حفظ اعتقادات خود، راه دوم را انتخاب نمودند. در این بین، برندگان واقعی، یهودیانی بودند که با ایفای نقش به عنوان مسیحیان صادق، از امتیازات اژیکا بهره‌مند شدند. (ibid:526) یهودیان در این وضعیت نسبتاً محتمل به زندگی خود ادامه دادند تا اینکه در سال (۶۹۴ م) هفدهمین نشست شورای کلیسا در طلیطله (تولدو) تشکیل شد. در این شورا اژیکا در جمع اربابان کلیسا اقرار نمود که علیرغم اعمال سیاست‌های تشویقی و مدارا نسبت به یهودیان، اخبار رسیده حاکی از خیانت و همدستی آنان با یهودیان خارج از کشور می‌باشد. اعلام این خبر به معنای شروع مصیبتی بزرگ برای یهودیان بود. به دنبال این نشست فرمان بردگی تمامی یهودیان اسپانیا صادر گردید. اموال آنان مصادره و برگزاری هر گونه مراسم مذهبی ممنوع اعلام گردید. همچنین مصوب گردید که فرزندان آنها بعد از سن هفت سالگی، جهت تربیت بر اساس آموزه‌های دین مسیح به کلیسا واگذار گردند. این شرایط به مدت هفت سال یعنی تا زمان مرگ اژیکا ادامه داشت. به دنبال مرگ اژیکا، فرزندش ویتیزا (۷۰۹-۷۰۱ م)"^۳ به حکومت رسید. وی نسبت به یهودیان رفتار ملایم‌تری در پیش گرفت و دستور توقف بسیاری

^۱ - ERVIGIO

^۲ - EGICA

^۳ - WITIZA

از مجازات‌ها را صادر و به آنان اجازه بازگشت به کشور را صادر کرد. اما در نهایت به دست رودریک^۱ (۷۰۹-۷۱۱ م) به قتل رسید. شروع سلطنت رودریک مصادف با شروع دوره جدیدی از اختلافات میان خاندان‌های گوتی بود که در سال (۷۱۱ م) با آغاز فتح اسلامی اندلس و زندگی یهودیان وارد دوره جدیدی از زندگی خود گردید. (حاتمله، ۱۹۹۶: ۲۵۳-۲۵۴)

محل‌های سکونت یهودیان در اندلس

یهودیان در آستانه فتح اسلامی در اکثر نقاط شبه جزیره ایبری زندگی می‌کردند. آنها عمدتاً در اطراف شهرهای بزرگ و به دور از مرکز زندگی می‌کردند. اما به دنبال فتح اندلس توسط مسلمانان، نحوه توزیع جغرافیایی یهودیان در این کشور تغییر کرد و اکثر آنان به مراکز شهرها منتقل شدند. این موضوع را از لابلای گزارش نویسنده ناشناس اخبار مجموعه به راحتی می‌توان مشاهده نمود. وی در مورد فتح البیره توسط مسلمانان می‌نویسد: مسلمانان شهر را محاصره کرده و آن را فتح نمودند. آنان در آن روز با یهودیان متحد شده و پس از اتحاد، آنها را به مرکز شهر منتقل کردند. گروهی از مسلمانان با یهودیان در شهر باقی مانده و بیشتر آنان شهر را ترک نمودند. (مجهول، ۱۹۸۱: ۲۱-۲۲) همچنین وی با تشریح فتح قرطبه (کردوبا) توسط مغیث رومی یاد آور می‌شود که این فرمانده مسلمان پس از گردآوری و ملاقات با یهودیان، آنان را به شهر ملحق نمود. این اقدام در مورد فتح شهر اشبیله هم تکرار شده است. نویسنده کتاب اخبار مجموعه در این مورد می‌نویسد: موسی بن نصیر پس از رسیدن به شهر آن را محاصره نمود. اما محاصره چندین ماه به طول انجامید تا اینکه خداوند زمینه فتح آن را فراهم آورد. پس از ورود مسلمانان، مشرکان به شهر باجه گریختند اما یهودیان توسط موسی گردآوری و به مرکز اشبیلیه منتقل شدند. (همان، ص ۲۳) مقری هم ضمن تأیید این موضوع اشاره می‌نماید که پس فتح شهر و انتقال یهودیان به آن، موسی فردی را به عنوان جانشین خود انتخاب و سپس مسلمانان شهر را ترک نمودند. (مقری، ۱۹۸۸: ۲۶۹) همچنین از روایت ابن عذاری در مورد فتح شهر طلیطله (تولدو) فهمیده می‌شود که مسلمانان این شیوه را در مورد بیشتر شهرهای اندلس به کار بردند؛ جایی که او می‌گوید: طارق شهر طلیطله را خالی از سکنه یافت. جز تعداد خیلی از یهودیان کسی در آن باقی نمانده بود. وی با سپاهیان به سوی آنان حرکت کرد و پس از استقرار آنان در شهر به راه خود ادامه داد. (ابن عذاری، ۱۹۹۸: ۱۲/۲) در روایت ابن حبیب هم در مورد فتح شهر البیره آمده است: سپس سپاه تازه رسیده به مسلمانانی که عازم فتح البیره بودند پیوست. پس از مدتی محاصره، شهر با جنگ فتح شد. مسلمانان، یهودیان آنجا را به خود ملحق کرده و به سمت مرکز غرناطه حرکت کردند. این شیوه به روشی دائمی در بین مسلمانان تبدیل شد به این معنا که مسلمانان پس از

^۱ - LODRIGO

برخورد با یهودیان آنان را به مرکز شهر منتقل کرده و تعدادی از مسلمانان را برای اداره شهر همراه آنها می نمودند. (عنان، ۱۹۷۳: ۱۰۱) هدف مسلمانان از استقرار یهودیان در مراکز شهرها بهره‌مندی از آنها در کار حفاظت و نگهداری از شهرها بود. به نظر می‌رسد اسکان یهودیان در حاشیه شهرها و خارج از حصارهای آن در قبل از فتح اسلامی، با اجبار ویز یگوت‌ها و نه با اختیار آنان بوده است. مسلمانان بعد از فتح اندلس محله‌های مخصوصی را در اختیار یهودیان قرار دادند تا فعالیت‌ها خود را در آنجا انجام دهند. به عنوان مثال مسلمانان در الیسانا به یهودیان اجازه دادند تا کاملاً جدا از مسلمانان زندگی کنند. ادریسی در این مورد می‌گوید: "یهودیان در وسط شهر زندگی می‌کنند و هیچ مسلمانی بر آنها وارد نمی‌شود. (ادریسی، ۱۹۸۹: ۵۷۱-۵۷۲)

مواضع یهودیان در قبال فتح اسلامی

بیشتر منابع اسلامی حاوی روایات بسیاری از موضع مثبت یهودیان در مورد فتح اندلس است. ادامه سخت‌گیری‌های حاکمان گوت و کلیسا و محروم نمودن یهودیان از حقوق شخصی و اجتماعی باعث گردید تا آنان در اندیشه‌هایی خود به هر طریق ممکن باشند. از این رو برخی از منابع معتقدند که یهودیان اندلس از اعراب مسلمان در شمال آفریقا درخواست فتح این کشور را نمودند. (ابن عذاری، ۱۹۹۸: ۱۲/۲) نکته مهم دیگری که به نظر می‌رسد از عوامل استقبال یهودیان از ورود اعراب مسلمان به اندلس بود، تلاش آنان برای حفظ موقعیت اقتصادی خود و اطلاع از وضعیت مناسب یهودیان شمال آفریقا بود. با شکست رودریگ آخرین حکمران گوتی در برابر طارق بن زیاد، دروازه‌های فتح این کشور بر روی مسلمانان گشوده شد. طارق، به سرعت به سمت استجه حرکت کرد و پس از فتح آن، با سپاهیان مسلمان، روانه قرطبه گردید. بر اساس گزارش برخی منابع، یهودیان قرطبه بدون هیچ ترس و واهمه‌ای در منازل خود باقی مانده و از شهر خارج نشدند. بعد از فتح شهر، مسلمانان با یهودیان رفتاری انسانی نموده و وظیفه مراقبت از برخی دروازه‌های شهر را به آنان سپردند. (مجهول، ۱۹۸۱: ۵) یهودیان در تمام شهرها و روستاهای اندلس، مقدم مسلمانان را گرمی داشتند. دوزی با تأکید بر این موضوع می‌نویسد: آنها مشاهده کردند که مشیت الهی بر آن گرفته تا منجیانی به نام فاتحان عرب به کمک آنها بفرستد. کسانی که در مقابل دریافت مالیاتی اندک، آزادی را به آنان برگردانده و اجازه دادند تا اعمال و مناسک مذهبی خود را آزادانه بجای آورند. (Dozy, 1932: 137) هنگامی که مسلمانان بعد از فتح یک شهر به یهودیان برمی‌خورند، آنان نیز به مسلمانان ملحق شده و تنها اندکی از مسلمانان در شهر باقی مانده و اکثریت آنان به قصد ادامه فتوح شهر را ترک می‌کردند. (مجهول، ۱۹۸۱: ۵۶-۶۲) مقری با ذکر چگونگی محاصره شهره البیره توسط طارق و فتح آن، همکاری یهودیان با مسلمانان را در زمینه محافظت از شهرهای مفتوحه را امری معمول دانسته است. (مقری، ۱۹۸۸: ۱۰/۱) جوزف رینو، یکی از عوامل موفقیت مسلمانان در فتح اندلس را وجود اقلیت یهودی می‌داند که در تمامی شهرها به استقبال فاتحان عرب رفتند. (رینو، ۱۹۸۴: ۴۱) در مقابل

هم عواملی وجود داشت که مسلمانان را تشویق به بهره‌گیری از کمک‌های یهودیان می‌نمود. فاتحان مسلمان از دشمنی موجود بین یهودیان و گوت‌ها مطلع بوده و به همین دلیل ترجیح دادند از این موقعیت برای تسریع در فتح اسپانیا استفاده کنند. روایات موجود در مورد استفاده از یهودیان اسپانیا در محافظت از شهرهای مفتوحه نشان می‌دهد که بهره‌مندی از یهودیان صرفاً در همین حدود بوده و آنان هیچ‌گونه حضوری در صفوف مجاهدین و شرکت در جنگ نداشته‌اند. این در حالی بود که در آن شرایط مسلمانان از نظر نیروی نظامی در مضیقه قرار داشتند. (ابن عذاری، ۱۹۹۸: ۱۲/۲) تعداد مسلمانانی که به همراه طارق بن زیاد وارد اندلس شدند حدود دوازده هزار نفر بودند. (مجهول، ۱۹۸۱: ۱۷) که بعداً حدود هجده هزار نفر به فرماندهی موسی بن نصیر به این جمعیت اضافه شدند. هر چند در برخی موارد، سپاهیان که به همراه موسی وارد اندلس شدند را ده هزار نفر ذکر کرده‌اند. (همان، ۲۴) بنابراین، مسلمانان دریافتند که به کارگیری یهودیان در کار محافظت از شهرها، آنها را از سربازان مسلمان بیشتر، بی‌نیاز می‌سازد. برخی از مورخان یهودی معاصر با بررسی میزان مساعدت یهودیان در فتح اسلامی اندلس، تلاش نموده‌اند تا برای آنان نقش مهم و موثری در این موضوع در نظر بگیرند. آنها حتی در این زمینه به مبالغه بسنده ننموده و در برخی از موارد سعی در قلب حقایق و تحریف وقایع داشته‌اند. به عنوان مثال سیمون دوبنوف^۱ در این مورد می‌نویسد: بخش عظیمی از سپاه اسلام شامل دسته‌ای از بربرهای یهودی بود که پس از پیوستن به مسلمانان، نقش بسیار موثری در فتح کاتالونیا داشتند. فرماندهی این گروه از یهودیان بر عهده فردی به نام خولان بود که از شجاعان یهود به حساب می‌آمد. (Dobnov, 1973: 2/527) در حالی که بر اساس گزارش منابع به جرات می‌توان گفت این ادعا، فاقد هر گونه سند تاریخی است. زیرا هرگز در فتوحات اسلامی اندلس از فرماندهی یهودی به نام خولان یاد نشده و یهودیان هرگز در فتح کاتالونیا یا مناطق دیگر اندلس، نه به صورت جداگانه و نه در قالب یک دسته مستقل شرکت نکرده‌اند. شاهد این موضوع آن است که در هیچ کدام از منابع اولیه اسلامی، اسپانیایی و حتی یهود به این موضوع اشاره نگردیده و به نظر می‌رسد بیان این مطالب بیشتر زائیده تخیلات دوبنوف می‌باشد. دوبنوف چشم خود را بر حقایق آشکاری که منابع اسلامی در مورد استفاده از یهودیان در حفاظت از شهرها ذکر کرده‌اند، می‌بندد و آنها را به رزمندگان شایسته و دلاوری تشبیه می‌کند که توسط موسی بن نصیر و طارق بن زیاد انتخاب شده‌اند تا آنها را در خط مقدم مبارزه با گوت‌ها یاری دهند. وی در این زمینه می‌نویسد: طارق و موسی، گروه‌های یهودی را مسلح کرده و آنها را در خط مقدم نیروهای منظم خود قرار دادند. او همچنین در مورد فتح طلیطله می‌نویسد: عملکرد دسته یهودیان در تولدو نمایشی از خشم تاریخی آنان بود و در آن روز مسلمانان و یهودیان آقای شهر بودند. (ibid, 528) نکته قابل توجه آن که،

^۱ - SIMON DUBNOV

دوبنوف در نوشته‌هایش از عباراتی استفاده می‌کند که نشان دهد این یهودیان بودند که بر گوت‌ها غلبه کرده و به پیروزی رسیدند. وی از یهودیانی که در محافظت از شهرها از آنان استفاده می‌شد تحت عنوان دسته یهودیان یاد می‌کند و آنها را نمادی از خشم و انتقام تاریخی می‌داند، این در حالی است که یهودیان علیرغم همه‌ی مظالم حاکمان گوت، تا زمان فتح مناطق و شهرهای اندلس توسط مسلمانان، هیچ گونه اقدامی در برابر ظلم و ستم آنها از خود نشان ندادند. بنابراین آن چه که دوبنوف تحت عنوان دسته‌های یهودی از آن یاد می‌کند چیزی جز نقش آفرینی یهودیان در محافظت از شهرهای مفتوحه نبود. الیاهو اشتور^۱ از دیگر نویسندگان معاصر یهودی است که تحقیقاتی در مورد نقش یهودیان در فتح اسپانیا داشته است. او معتدلتر از دوبنوف بوده و بر این واقعیت معترف است که نقش یهودیان در فتح اسپانیا از کار محافظت از شهرهای مفتوحه فراتر نرفته است. همچنین وی معتقد است که آنان با مسلمانان همکاری اطلاعاتی داشتند؛ (Ashtor, 1979: 1/16) اما در عین حال بر این باور است که این محافظت تأثیر زیادی بر عملیات فتح گذاشته است. وی استفاده مسلمانان از یهودیان در محافظت از شهرها را دلیلی بر مهارت رزمی آنها دانسته و به همین دلیل می‌نویسد که یهودیان اسپانیا مردمانی جنگجو، برجسته و متفاوت از بقیه یهودیان جهان بودند. او در ادامه به بررسی دلایل شجاعت یهودیان اندلس پرداخته و سپس می‌گوید که چنین مردانی، متحدان مناسبی برای جنگجویان و نیروهای فاتح محسوب می‌شوند. (ibid, 25) به نظر می‌رسد اشتور هم در نقش یهودیان در جریان فتح اندلس و خصوصیات آنها به عنوان یک قوم مبارز و جنگجو راه افراط و مبالغه را پیموده است. چرا که اگر یهودیان مردمی شجاع و مبارز بودند، علیه گوت‌های کاتولیک که بیش از صد سال با صدور قوانین سخت، آنها را محدود و مجازات کردند قیام می‌کردند. این در حالی بود که آنها در آن زمان از نظر جمعیت و سرمایه مشکلی نداشتند، زیرا آنها چندین برابر فاتحان مسلمان بودند و از ثروت و منابع مالی گسترده‌ای برخوردار بودند. (کیب، ۱۹۸۵: ۹۵) از سوی دیگر اگر بر اساس آن چه اشتور می‌گوید یهودیان اسپانیا افراد رزمنده و شجاعی بودند، قاعدتا باید در طی سالهای طولانی زندگی در اسپانیا برای تشکیل حکومت ولو در بخش کوچکی از آن تلاش می‌نمودند، این در حالی است که مطالعه تاریخ زندگی یهودیان در این کشور نشان می‌دهد که آنان همواره به دنبال نزدیک شدن به حاکمان هر دوره بودند و به خدمت کردن به آنها رضایت می‌دادند و از این امر هم خوشحال بودند. (عبدالعلیم، ۱۹۶۸: ۱۳۹) در نهایت بررسی وقایع سالهای نخست فتح اسپانیا، حاکی از نقض دیگه اشتور می‌باشد. زمانی که مسیحیان، شهر اشبیلیه (سویا)، که حفاظت از آن بر عهده یهودیان بود را مورد حمله قرار دادند، یهودیانی که اشتور سخن از شجاعت آن سر می‌زند، دفاع از شهر را رها کرده و نزدیک به هشتاد نفر از مسلمانان به شهادت رسیدند. این در

^۱ - ELAYAHU ASHTOR

حالی است که منابع تاریخی هیچ اشاره‌ای به تلفات یهود در این واقعه نمی‌کنند. (مجهول، ۱۹۸۱: ۱۸ / ابن عذاری، ۱۹۹۸: ۱۵/۲) بنابراین بدون اغراق در نقش یهودیان اندلس در فتح اسلامی این سرزمین باید گفت که آنان از این فرصت برای آزادی خود از مظالم حاکمان گوت استفاده نمودند. بر این اساس، یهودیان مشارکتی در فتح اندلس نداشته و نقش آنان صرفاً حفاظت از شهرهای مفتوحه و پادگان‌هایی بود که گوت‌ها از آنجا گریخته بودند. آنان همچنین همکاری اطلاعاتی با مسلمانان داشتند و اطلاعات مورد نیاز را در اختیار آنان قرار می‌دادند. این همکاری نقش مهمی در تقویت روابط مسلمانان با یهودیان در اسپانیا داشت. جایی که آنها تحت حکومت اسلامی و به عنوان اهل ذمه از حقوقی برخوردار بودند که در دوره حکومت گوت‌ها از آن محروم بودند.

مساله حضور تاریخی یهودیان در اندلس و مواضع آنان در برابر فتح اسلامی این منطقه را می‌توان از مسائل چالشی دانست که مورد توجه نویسندگان مسلمان، مسیحی و یهودی قرار گرفته است. مطالعه سرگذشت این قوم، نشان می‌دهد که موقعیت، حیات اجتماعی و شرایط زندگی آنان در این منطقه ارتباط مستقیمی با ساختار سیاسی حاکم داشته است. هر چند در پاره‌ای از مقاطع تاریخی و به واسطه تعاملات مثبت نهاد قدرت با آنان، از موقعیت و جایگاه مناسبی برخوردار بودند، اما در اکثر زمانها و مخصوصا در عصر حاکمان گوت، یهودیان از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده و در معرض انواع مجازات‌ها و محرومیت‌ها قرار داشتند. شدت این مجازات‌ها به گونه‌ای بود که در آستانه حمله مسلمانان به اندلس، یهودیان در سخت‌ترین شرایط قرار داشته و مسلمانان را فرشته نجات خود می‌دانستند. از همین رو آنان ضمن استقبال از فاتحان مسلمان، تلاش نمودند تا از این طریق به رنج و محنت خود پایان ببخشند. اما علیرغم اغراق برخی از محققین یهودی در برجسته نمودن نقش هم‌کیشان خود در شکست پادشاهان گوت و پیروزی مسلمانان، باید گفت این نقش، محدود به محافظت از شهرها و پادگان‌های مفتوحه و همکاری اطلاعاتی با سپاهیان مسلمان بوده و فراتر از آن نرفته است. یهودیان در عصر حاکمیت مسلمانان از آزادی‌های لازم برخوردار بوده و در هیچ کدام از منابع تاریخی به الزام یهودیان توسط مسلمانان جهت تغییر دین اشاره نگردیده است. مسلمانان در جریان فتوح، با اهل ذمه روابطی انسانی و مبتنی بر مدارا داشتند. این سیاست باعث گردید تا به تدریج بسیاری از آنان اسلام را بپذیرند. بر اساس گزارش منابع اولیه، بعد از ورود مسلمانان به اندلس برخی از ساکنان آن و از جمله یهودیان اسلام را پذیرفتند و عده‌ای نیز بعدا به اسلام روی آوردند. این در حالی بود که یهودیان قبل از فتح اسلامی، قرن‌ها در شبه جزیره ایبری و مخصوصا در دوره گوتها تحت مظالم و ستم‌های آنان و کلیسا قرار داشتند.

١. أورويسوس، بائولوس (١٩٨٢) تاريخ العالم، تحقيق، عبد الرحمن البدوي، بيروت، المؤسسة العربية للدراسات والنشر
٢. ابن الأحمر، إسماعيل بن يوسف بن محمد (١٩٧٢) بيوتات فاس الكبرى، الرباط، دار المنصور للطباعة والوراقة
٣. ابن عذاري أبو عبد الله محمد المراكشي (١٩٩٨) البيان المغرب في أخبار الأندلس والمغرب، بيروت، دار الثقافة.
٤. التل، عبد الله (١٩٧٩) خطر اليهودية العالمية على الإسلام والمسيحية، بيروت، المكتب الإسلامي، ١٩٧٩، ص (٧٤)
٥. حتامله، محمد عبده (١٩٩٦) أيبيريا قبل مجيء العرب المسلمين، الأردن، عمان، دارالنشر العربي
٦. الحميري، محمد بن عبد المنعم (١٩٨٠) الروض المعطار في خبر الاقطار، تحقيق احسان عباس، القاهرة، مؤسسة ناصر للثقافة
٧. الخالدي، خالد يونس عبدالعزيز (٢٠١١) اليهود في الدولة العربية الإسلامية في الأندلس، غزة، دارالارقم
٨. الإدريسي، أبو عبد الله محمد بن محمد الحمودي (١٩٨٩) نزهة المشتاق في اختراق الآفاق، بيروت، عالم الكتب
٩. رينو، جوزيف (١٩٨٤) الفتوحات الإسلامية في فرنسا وإيطاليا وسويسرا في القرون الثامن والتاسع والعاشر الميلادي، تحقيق إسماعيل العربي، بيروت، دار الحديث بالتعاون مع ديوان المطبوعات الجامعية الجزائر
١٠. طرхан، إبراهيم علي (١٩٥٨) دولة القوط الغربيين، القاهرة، مكتبة النهضة المصرية
١١. ضياء باشا (١٩٨٩) الأندلس الذهبية، دول الطوائف ودولة المرابطين وبداية دولة الموحدين، تحقيق، صلاح ارشيدات، عمان، دارالكتاب العربي، ج ٢
١٢. عبد العليم، مصطفى كمال (١٩٦٨) اليهود في مصر، القاهرة، مكتبة القاهرة الحديثة
١٣. عبدالمجيد، محمد بحر (١٩٧٠) اليهود في الأندلس، القاهرة، مكتب الثقافيه
١٤. العربي، السيد الباز (١٩٨٢) الدولة البيزنطية، بيروت، دار النهضة العربية للطباعة والنشر
١٥. عنان، محمد عبد الله (١٩٧٣) الإحاطة في أخبار غرناطة، القاهرة، الشركة المصرية للطباعة
١٦. كحيله، عبادة (١٩٩٣) تاريخ النصارى في الأندلس، القاهرة، دار الكتاب المصري
١٧. كيب، جوزيف ماك (١٩٨٥) مدنية المسلمين في أسبانيا، ترجمة، محمد تقي الدين الهلالي، الرباط، دارالعلم
١٨. المقري، أحمد بن محمد (١٩٨٨) نفح الطيب من غصن الأندلس الرطيب، تحقيق، إحسان عباس، بيروت، دارالصادر، ١٩٨٨، ص (٢٦٩)
١٩. مجهول (١٩٨١) أخبار مجموعة في فتح الأندلس، تحقيق، إبراهيم الأبياري، بيروت، دار الكتاب اللبناني
٢٠. مؤنس، حسين (١٩٩٥) فجر الأندلس، جده، الدار السعودية للنشر والتوزيع

٢١. مظهر، سلیمان (١٩٩٥) قصة الديانات، القاهرة، مكتبة المدبولی

22. Ashtor, Eliyhu(1979) *The jews of moslem Spain*, Philadelphia, vol, 3
23. Broyde,Isaac,(1901) *Spain,the jewish encyclopedia*, New york, katav,Publishing House
 ,vol,11
24. Bear, Yitzhaak (1989) *A history of the jews in Christian spain*, Philadelphia,vol,1
25. Dozy, Reinhart, (1932), *Historiaredes musulmans despagne*, leyden (Holland),e,l.Brills.a .
26. Dobnov,Semon, markovich (1973) *History of the jews from the romanfmpireto the early
 medieval period* , New York, vol,5
27. Staff, Editorial (1972) *Encyclopedia Judaica*, jerusale, Vol, 11
28. Seviles, Isidor (1966) *History of the kings of the goths, vandals and suevi*, Leiden
29. Lindo,e.h (1970) *The jews of spain and Portugal*, New York